

اورا بگفت ز نزد فرشته ای که این روح خوشبوی از آن کسست گویند که این  
جان فلان بن فلان است که هیچ بر کم و او را به نیکوترین نامی نام برزند پس  
چون بسمان دنیا ببرد گویند فرشته ای که بر او بسمان دنیا انداخته است و آسمان  
کشاید پس روحی از فرشته ای که دنیا با ایشان باز نمودن جان او را می برزند تا با  
آسمان تعلق آنکه از تعالی گویند نام بنده من در عیاشی بنویسد و جان وی باز  
بریزد من که من او را از زمین آوردم و بدان جای از رسم او را از زمین باز  
بر آنکس نام که جان او را از زمین باز نمودن او در آن روز که در نوشته نوزده  
آورند و ایشان را منکر گویند و از سوال کنند و گویند خداست و گویند  
جواب دهد خدای من الله است پس گویند دین تو چیست جواب دهد دین  
من مسلمانی است پس گویند چگونه اندرین مردی که شما فرستادند یعنی  
محمد صلی الله علیه و سلم جواب دهد او رسول خداست پس گویند  
کار تو چه بود در دنیا بنده گوید قرآن خوانم که درم آنکه منادی ندا کند از آسمان  
که راست میگوید بنده من الهی فرجه از بهشت که او بگشاید و در  
جامها بپوشاند از بهشت و گوید بروی فلان کردند خیا که چشم او  
کار کند الهی موی خوشبوی و نیکو روی نوزده که آید و او را گویند نشان بر نوزده

بشاید

بشاید بهر آنکه این روزی است که ترا عده کرده بود نگاه بنده و من آن مرد را گوید  
تو کسی گویند من آن کردار نیکه ام که در دنیا هیچ کردی و باز چون نیکان کا و را  
ازین جهان بیرون شود خدای تعالی فرستد بروی تو سخنان بسیار بروی  
با بدایا بهار بنشیند برابر او از دو جانب ملک و مرادش آن را می بیند آنچه  
ملک الموت علیه السلام بیاید نزدیک بروی بنشیند و گوید ای جان بلید  
بیرون ای ازین تن بلید چشم خدای عزوجل نگاه جان او در آندها بر کند  
پس ملک الموت علیه السلام بیرون کند جان او را چنانکه بیرون  
کند خدای از چشم تر کرده تا رگها و او کشته شود نگاه جان او را از نیکان  
نبردی بگشاید و در طلا سها و بچند روز و بوی کشته ای کند تر از بوی روز  
نگاه جان او را با بسمان بر بند و بر کوهی از فرشته ای که جان بگذرانند  
و فرشته ای گویند که این کسست بدین ناخوشی گویند که این جان فلان  
بن فلان است که هیچ بر کم او را بر شترین نامی نام برزند پس چون بسمان دنیا ببرد  
گویند که در آسمان بگشاید آن فرشته ای که بر او آسمان دنیا انداخته است  
و خدای تعالی بفرماید تا نام او در سیمین بنویسد و نگاه جان او را از نیکان  
نزد پس جان او در تن او بید نگاه فرشته نوزده که او را نوزده